

آرمانِ صدور انقلاب، در حال تحقق است

هر چند انقلاب اسلامی ایران به وسیله ی مردم مسلمان ایران و به رهبری یک روحانی شیعه به وجود آمد و رشد کرد و بدون تردید، از بسیاری از خصوصیات اسلام در پرتو تشیع بهره گرفت و از اصول انقلابی تشیع در رشد خود سود جست و بر مسلمانان شیعه ی جهان، به ویژه شیعیان عربستان، عراق و لبنان، تأثیر محسوسی نهاد، ولی مسلمانان شیعه ی ایران و رهبر آن خود انقلاب را یک انقلاب منحصرالاسلامی می دانند و آن را همین گونه معرفی می نمایند؛ زیرا آنچه همه را جمع و متحد کرد اسلام بود، نه چیزی دیگر. بنابراین، بر فرض که انقلاب اسلامی از اصول و ارزش های تشیع بر خوردار شده باشد، انقلابی اسلامی است؛ همان گونه که انقلاب اسلامی به رهبری عثمان دن فودیو و حاج عمرو مهدی در آفریقا، اسلامی بودند، نه انقلاب های شافعی، مالکی، حنفی و مانند آن.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی مدعی است تنها حلقه ای از یک سلسله ی طولانی است که به وسیله ی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و بلکه به وسیله ی پیامبران پیش از اسلام بنیان گذاری شده و با انقلاب اسلامی ایران نیز تمام نمی شود، بلکه ادامه خواهد یافت. انقلاب اسلامی ایران بخشی از کل انقلاب مداوم پیامبران خدا و بخشی از کل انقلاب مداوم اسلام است که تا استقرار عدل جهانی و حاکمیت موعود مطلق خدا به دست بندگان خالص او و مستضعفان ادامه خواهد یافت.

بنابراین، انقلاب اسلامی نمی تواند محدود به تشیع و شیعه باشد؛ چرا که انقلاب اسلامی تداوم انقلاب انبیا، تداوم انقلاب اسلام و بازسازی ارزش های نبوت عامه و خاصه و امامت عامه و خاصه است و برخلاف کوشش مغرضان، نمی تواند یک انقلاب فرقه ای، نژادی و طبقاتی باشد، می تواند لگوی خوبی برای انقلاب پیروان دیگر ادیان و مذاهب اسلامی و برای تمام مستضعفان باشد.

بر این اساس، می توان گفت: انقلاب ایران نه اولین انقلاب اسلامی است و نه آخرین خواهد بود، و ارزش و اهمیت این انقلاب بیش از همه در این است که عملا روش و طرز تفکر جدیدی به همراه آورده است. این روش و طرز تفکر برای تمامی مسلمانان و حتی تمام مستضعفانی که در پی استقلال و آزادی و عدالت هستند قابل تأمل و تعمق است.

در ادامه، به نفوذ افکار انقلابی انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و حتی در سطحی وسیع تر، در میان مستضعفان جهان می پردازیم:
بیداری اسلامی در جهان با ندای انقلاب اسلامی انقلاب اسلامی ایران نقطه ی آغاز خیزش تفکر اسلامی است. در حالی که قرن بیستم با عقب نشینی اسلام، در پی ضعف و ناتوانی امپراتوری عثمانی آغاز شد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال های پایانی این قرن، آغاز دوره ی جدیدی از ظهور مجدد اسلام را نوید داد.

انقلاب اسلامی ایران بر اساس مبانی عقیدتی، که در درون خود پنهان کرده بود، از یک سو، واکنشی خشمگینانه نسبت به وضع موجود نشان داد و به نوعی ناراضیتی از نظر موجود و جایگاه اسلام معاصر را به منصفه ی ظهور گذاشت، و از سوی دیگر، با طرح عقاید روشنگرانه، ناراضیتی خود را نسبت به استراتژی در پیش گرفته شده ی دیگر جنبش های اسلامی برای رسیدن به مطلوب اسلام ابراز شوند.

نمود و ندای رهایی از جریان حرکت تاریخ بر اساس مفروضات از پیش تعیین شده ی نوگرایی را سر داد که بر این اساس، هم خواهان افزایش توان مبارزاتی و تغییر لگوی عمل بود و هم جایگزین مناسبی برای رهایی از وضع موجود و گشایش وضع مطلوب داشت. روش حرکت اسلامی در ایران استفاده از نیروهای بالقوه و تبدیل این نیروها به حالت بالفعل و بسیج اندیشه های ذخیره شده در درون ملت های اسلامی با مدیریت همه جانبه و با توان حرکتی در حداعلا و سرعتی به مراتب تندتر از سایر جنبش های اسلامی بود. بدین روی، این حرکت اسلامی به عنوان الگویی برای تلاش های ایدئولوژیک در میان سایر ملل اسلامی مورد ملاحظه قرار گرفت و موجب شد تحولی عمیق در راهبرد یا شیوه ی عمل و چگونگی تعیین اهداف آنها صورت بگیرد. حرکت اسلامی در ایران، زمینه ی این ذهنیت را فراهم آورد که هنوز توان تصور آرمانی فرا تر از آنچه در گذشته سایر حرکت ها در پیش گرفته بودند و امکان دگر گونی و بازگشت به آنچه «دوران طلایی اسلام» گفته می شود، وجود دارد و شاید اعتقاد به همین توانمندی بود که روحیه ی دیگر جنبش های اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی رافرونی بخشید.

از این رو، می توان گفت: مهم ترین تأثیر ایران انقلابی بر جهان اسلام و حتی در سطح وسیع تر و در ارتباط با مستضعفان کل جهان، در بعد افکار و ایدئولوژی است.

ایدئولوژی امام آ خمینی بامطرح کردن نتایج انحطاط اخلاقی، بی عدالتی اجتماعی – اقتصادی و از همه مهم تر، مسئله ی «افتخار، شأن و احترام» مسلمانان در مقابل دست درازی های سیاسی

– فرهنگی ابر قدرت ها، مسلمانان را در یک سطح شخصی بسیار عمیق مورد خطاب قرار می دهد؛ او به مسلمانان می گوید که می توانند بحران های شخصی و وجودی خود را از طریق اعمال نظامی

– سیاسی و حمله به رژیم های نامشروع و حامیان ابر قدرت آنها مرتفع سازند. همین پیوند پویا میان جراحات شخصی و روحی و برنامه های سیاسی با توسل به خشونت است که ایدئولوژی امام آخمینی را به یک نیروی قوی مبدل می سازد. امام آخمینی با درهم آمیختن قلمرو سیاسی و معنوی مسلمانان، این امکان را می دهد که دنیای در حال دگرگونی خود را با معنا سازند و در عین حال، هدف سیاسی صدور انقلاب اسلامی را گسترده تر سازند.

بدین سان، اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موجی فراگیر سراسر جهان اسلام را فراگرفت و نه فقط مسلمانان، بلکه تمام مستضعفان جهان را به حرکت درآورد؛ چرا که مخاطب امام، مستضعفان سراسر کره ی زمین بودند؛ باید این نهضت در تمام عالم، نهضت مستضعف در مقابل مستکبر در تمام عامل گسترده شود. ایران مبدأ و نقطه ی اول و الگو برای همه ی ملت های مستضعف است. در تمام اقشار عالم، مسلمین به پا خیزند. بلکه مستضعفین

به پا خیزند. وعده ی الهی مستضعفین را شامل است و می فرماید که ما منت بر مستضعفین می گذاریم که آنها امام ما بشوند در دنیا و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است. وراثت از مستضعفین است.

مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج شوند.

اینجا سنگر بعدی است...

نگاهی به جنبش های ضد امپریالیستی در آمریکای جنوبی

ابراهیم محمدی

دو انقلاب روابط صمیمانه فی ما بین برقرار گردید. پس از یک وقفه ی ۱۷ سساله با پیروزی «دانیل اورنگا» در سال ۲۰۰۶ قدرت دوباره به دست ساندیست ها بازگشت.

«جبهه ملی آزادی بخش فارابوندو مارتی» نام جنبش دیگری است که فارابوندو مارتی به همراه کارگران و دهقانان در السالوادور در سال ۱۹۳۲ برپا کردند، که در این قیام ۳۰۰۰ کارگر و دهقان قتل عام شدند.

«جنبش ۲۶ ژوئیه» یا انقلاب کمونیستی کوبا به رهبری فیدل کاسترو و حکومت کنونی کوبا را رقم زد. انقلاب کوبا، انقلابی است که منجر به سرنگونی رژیم ژنرال فلوخسنیو باتیستا توسط جنبش ۲۶ ژوئیه و دیگر عوامل انقلابی در کوبا شد.

«جنبش بومیان و سرخ پوستان» در بولیوی به رهبری مورالس و «جنبش دهقانان و کشاورزان بدون زمین» در برزیل را نیز می توان در این بین نام برد.

«جنبش ملی آئنده» در شیلی، چیزی را که آئنده در پی آن بود می توان میل به استقلال ملی در اعمال حاکمیت بر منابع کشور از طریق ایجاد تحولی دمکراتیک و در چار چوب یک دمکراسی پارلمانی توصیف کرد.اما واقعیت تاریخی که ناظر بر فرجام کار او و بعضی نمونه های دیگر در جهان سوم است با پایانی ناخوش عجین بوده است، ناکامی در استفاده از نظام پارلمانی برای ایجاد تغییر کیفی

در برآیند نیروهای داخلی و کیفیت رابطه غارتگرانه بین کشور پیرامونی و امپریالیسم جهانی.

آخرین جنبشی که در این مقال به معرفی آن می پردازم، «جنبش جمهوری پنجم» است که موسس آن هوگو چاوز رییس جمهور فعلی ونزوئلاست. هوگو چاوز با هدف بهبود وضعیت رفاهی مردمان کشورش و کاهش اختلاف شدید طبقاتی برنامه های مبتکرانه ای را در اقتصاد

میلادی، انقلاب ساندیستی، یک رژیم دیگر طرفدار آمریکا را نابود کرد و تبدیل به نورامیدی برای آمریکای لاتین شد. انقلاب ملت نیکاراگوئه و انقلاب اسلامی ایران که به فاصله چند ماه پس از یکدیگر در سال ۱۹۷۹ به وقوع پیوستند هم به این زمانی و هم به سبب آرمان های استقلال طلبانه، ضد استکباری و عدالت خواهانه، در ادبیات سیاسی به عنوان انقلاب های دوقلو شناخته می شوند و بر همین اساس بلافاصله پس از پیروزی

صدای شیبه اسب ظهور می آید...

مرصیه ذوقی

، مصری و یعنی قیام می کنند.»^[۱] و این شخص مصری ممکن است سرکرده فرماندهان، یعنی فرمانده سپاهی باشد که برخی روایات می گوید او جنبشی در مصر ایجاد نموده و اعلان جنگ می کند. در روایتی دیگر این مطلب، یاد شده به اینسکه وی قبل از ورود نیروهای غربی، مردم را بسوی آل پیامبر (ص) دعوت می کند: «اهل غرب به سوی مصر هجوم می آورند همینکه وارد می شوند، فرمانروائی سفیانی برقرار می شود، و قبل از آن شخصی مردم را بسوی آل پیامبر (ص) دعوت می نماید.»^[۲] دعوت به آل پیامبر اکنون به این صورت نمود پیدا کرده است که مردم آزادی خواه، خواهان برقراری حکومت اسلامی و آزادی در حیطه ی انجام اموردینی شان هستند.

در این بین تطابقاتی نیز بین سفیانی و ملک عبدالله دوم پادشاه اردن وجود دارد. در جمله ی: «سفیانی در حالی که نصرانی شده، صلیب بر گردن، از سرزمین روم می آید. او رئیس گروه است.»^[۳] تعبیر از صلیب بر گردن بودن پیروی و اطاعت از حکام غربی است چرا که پادشاه اردن بعد از طی تحصیل دوران ابتدایی در اردن، به کشورهای غربی اعم از انگلستان و آمریکا عزیمت کرده در آنجا تحصیل کرده است و حتی در ارتش انگلستان نیز خدمت کرده و به مقام سرهنگی رسیده است و بعد از اتمام تحصیلات و پایان دوره ی نظامی در غرب به اردن بازگشته است.

از امیر المومنین (ع) روایت شده که فرمود: «از نشانه ها خروج سفیانی با پرچم سرخ است، که فرمانده اش مردی از قبیله ی «بنی کلب» است.»^[۴] همانطور که می دانیم رنگ اصلی پرچم اردن سرخ است. طبق روایتی از امیر المومنین سفیانی بر خواسته از وادی یابس یا همان حوران است. حوران منطقه ای است در شمال اردن و جنوب دمشق که محل زندگی قوم بنی کلب بوده است.^[۵]

و نکته ی دیگر آنکه طبق روایات سفیانی مسلط بر فلسطین است. همانطور که واقفیم اردن یکی از نزدیکترین متحدان اسرائیل است. حتی این ارتباط تا آنجا پیش رفته است که تعمیر و نگهداری مسجدالاقصی به اردن واگذار شده است و حتی علامت ستاره ی ۷ پر خاندان پادشاهی اردن را می توان در مناره ی جدیدمسجدالاقصی دید.

سفیانی برای همراه کردن مردم با خود، حرکات ریاکارانه ای انجام می دهد در بعضی از روایات چنین آمده است: «سفیانی در اثر عبادت، زرد رنگ به نظر می رسد.»^[۱۰] پادشاه اردن نیز با اینکه تربیت و رفتار انگلیسی – آمریکایی و سیاست غربی وی بر کسی پنهان نیست، اما گاهی برای خالی نبودن عریضه و فریب مسلمانان، تصاویری از قرآن یا نماز خواندن خود را از طریق رسانه های وابسته منتشر می نماید. باوجود این تفاسیر و این تحلیل هانیا باید از این نکته غافل شد که انسان خالی از اشتباه نیست و ممکن است در انطباقات دچار اشتباه شده باشیم واگر نه شکی در روایات نیست.

با مشاهده ی اتفاقات اخیر به وضوح می توان دریافت که این رویدادها بویی از حوادث آخر الزمان می دهند. این موج جهانی از ایران و با انقلاب اسلامی آغاز شد و اساساً طبق روایات، اولین حرکت زمینه ساز برای ظهور حضرت مهدی (عج)، از ایران شروع می شود و حتی این مطلب در برخی کتب اهل سنت نیز آمده است. این قضایا تا حدی ملموس است که بعضی از نشانه های آخر الزمان را می توان به نوعی با حوادث اخیر انطباق داد. برای بررسی بیشتر گریزی می زنیم به روایات منقول در ارتباط با قیام های آخر الزمانی.

قابل ذکر است که برخی از روایات که در تفسیر آیه ۳۵ سوره «فصلت» آمده است بر این نکته تأکید دارند که قبل از ظهور حضرت مهدی (عج)، حاکمان طاغوتی ضعیف می شوند و مردم در برابر آن ها نافرمانی می کنند. در این بین ما می بینیم که در مصر و تونس و یمن و اردن حکومت طاغوتی در کشور حکمرانی می کند و روایاتی بیش در ارتباط با اردن و مصر وجود دارد. از همه بیشتر طغیان های کشور تونس و البته مصر نمود دارند که تکاپوی مردم آنها نیز شاهی برای مدعاست.

روایات متعددی اوضاع مصر را در آستانه ظهور ملتهب و همراه با درگیری و جنگ گزارش می دهند. البته بنابر روایات بخشی از این التهابات و درگیریها داخلی بوده و قیام مردم بر علیه حاکمان را نشان می دهند از آنجائیکه که حاکم مصر در آستانه ظهور بدست مردم مصر کشته می شود و با کشته شدن او حوادث شدت می یابد می توان نتیجه گرفت که آغاز تحولات مصر منشا داخلی دارد، هر چند در ادامه پای نیروهای خارجی نیز به این سرزمین باز می شود. امنیت از مصر رخت برمی بندد و نظام آن از هم می پاشد ^[۱۱] مصر همانند بصره خردنابود خواهد شد ^[۱۲] ابن حماد روایتی را در نسخه خطی خود از ابوذر (ره) نقل می کند: «امنیت از مصر رخت بر می بندد، و می گوید به ابوذر گفتیم: در آن هنگام که امنیت از دست می رود، پیشوایی نیست که آن را فراهم آورد؟ گفت: خیر، بلکه نظام آن از هم پاشیده می شود.»^[۱۳]

این طور که از این روایت برمی آید در کشور متلاطم مصر همچنان مخالفت با حکومت طاغوتی ادامه خواهد داشت تا قیام موعود.

تعبیری وجود دارد که می گوید: «اهل مصر سادات خود را می کشند» و «استیلای بردگان بر کشور سادات»^[۱۴] که عده ای آنرا با قتل «نور سادات» تطبیق می دهند که این اشتباه است زیرا سادات در این روایات، به معنای رؤساء است و اسم خاص نیست و فرمانروای مصری ای که قتل وی از نشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) می باشد، در پی آن حادثه به وجود می آید. همچنین روایت دیگری بیان می دارد که بعد از کشته شدن حاکم مصر پرچم های «قیس و عرب»، که نویسندگان محترم کتابهای عصر ظهور و بوم الخلاص آنها را همان لشکر مغرب و بربر می دانند، مصر را اشغال خواهند نمود) که بعد از مرگ سادات چنین چیزی واقع نشد. (مراد از مغرب در این روایت و روایات دیگر، مغرب سرزمینهای اسلامی است که شامل حکومت مغرب و الجزائر و لیبی و تونس می گردد.

و نیز بین روایت بیانگر قتل فرمانروای مصر، با روایتی که می گوید مردی انقلابی از مصر، قبل از سفیانی خروج می کند، رابطه ای وجود دارد.

در بحار الانوار آمده است «پیش از خروج سفیانی

^[1] نسخه خطی ابن حماد ص ۷۸

^[2] الفتین لابن حجاج ۱ ص ۲۹۲

^[3] نسخه خطی ابن حماد ص ۷۸

^[4] ایشارت الاسلام ص ۱۷۴

^[5] البحار ص ۵۳

^[6] البحار ص ۵۲

^[7] البحار ص ۵۲

^[8] انجیل منی ص ۲

^[9] نسخه خطی ابن حماد ص ۱۰۹

^[۱۰] البحار ص ۵۲